



(مقام معظم رهبری) مدظله العالی

طراز

نحر

مدظله العالی
خاطره‌ای از مقام معظم رهبری

تهیه و تنظیم:

مهدی رحمانی ساعد

دانش پژوه رشته تخصصی فقه و اصول ورودی ۸۴

شماره هفتم و هشتم

نشریه نحر

خاطره ای از مقام معظم رهبری مدظله العالی

رئیس جمهور آمریکا در ضمن سخنرانش گفت: فردا رئیس جمهور ایران سخنرانی می کند و موضع کشورش را در مورد جنگ بیان خواهد کرد و همین، یک تبلیغ خوب برای هیأت ایرانی حاضر در سازمان ملل شد.

رئیس جمهور وقت حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی سخنرانی اش را که شروع کرد، من و آقای ولایتی نگاهی به حاضران در صحن سازمان ملل انداختیم، صندلی‌ها سرتاسر پر بود و کنار دیوارها هم ایستاده بودند و این به برکت تبلیغ دیروز دشمن بود که سبب خیر شد. مثل نماز جمعه، دو خطبه ای بود خطبه اول در مورد انسان از دیدگاه اسلام، چنان زیبا به میدان سخن آمد که علم و شجاعتش همه چشمها و گوشها را به خود دوخته بود و انگار نه انگار که اینها در جنگند و هر روز از طرف استکبار لطمه‌ای می‌بینند و در این دنیای غافل، بی کس و یاورند.

آن انسانهای در بند وقتی ارزش خودشان را از زبان یک عالم اسلامی می شنیدند، لحظه به لحظه مشتاق تر می شدند که خود را کشف کنند. نمایندگان کشورهای اسلامی نتوانستند خودشان را نگه دارند، اشک می ریختند و می دیدند حرفهایی که خودشان و آبائشان جرأت بیان آن را نداشتند، حالا به این زیبایی بیان می شود.

خطبه دوم با حمله به آمریکا و کارهای او شروع شد، نمایندگان آمریکا این پا و آن پا می کردند، سرشان پایین بود و چیزی نگاه کردند و هر چهار رفتند؛ ولی از آن همه به تأیید آنها بیرون نرفت. سخنان بودند و نمی خواستند

کردند، سرشان پایین بود و چیزی نگاه کردند و هر چهار رفتند؛ ولی از آن همه به تأیید آنها بیرون نرفت. سخنان بودند و نمی خواستند

از پله های هواپیما که پیاده می شدیم، گفتند: عجب کفی زدی ها !!

نفرشان بلند شدند و جمعیت، یک نفر هم گویی همه محو این جلسه بصیرت افزایی

را ارزان بفروشد، اینجا دیگر نوکری آمریکا نکردند.

نمایندگان شوروی سابق با دشمنان گردو می شکستند و با لبخندی شیطنت آمیز سر به نشانه تأیید بالا و پایین می بردند تا اینکه به یکباره سخنان حمله به شوروی را شروع کرد که آنها هم ساکت شدند و سر پایین انداختند تا طبیعی تر جلوه کند.

بیانات که تمام شد، من و آقای ولایتی ناخودآگاه محکم کف زدیم اتفاقاً دوربینها در همان لحظه تصویر ما دو نفر را گرفته بودند و مستقیماً به شش زبان دنیا ترجمه و پخش می شد.

از پله های هواپیما که پیاده می شدیم، گفتند: عجب کفی زدی ها !!

گفتم: ما که خیلی خودمان را نگه داشتیم، شما اگر می بودید معلوم نبود چه می کردید!!

پس از سخنرانی هم خبرنگاران آیت الله خامنه ای^{مدظله العالی} را دوره کردند و رئیس جمهور گفتند: فردا ساعت ۶/۳۰ صبح، آنها که عادت نداشتند به سختی ساعت ۶/۳۰ صبح خود را رساندند. خبرنگار قدری جلو آمد و شاید مغرضانه و برای شکستن روحیه ما پرسید خبر دارید که

ناوچه فجر شما را زده اند؟

آقا با لبخند و به آرامی پاسخ دادند: بله می دانیم.

پرسید: شما چه می خواهید بکنید؟

آقا پاسخ دادند: کارمان را به شما نمی گوییم، هر وقت انجام دادیم، خودتان خواهید

فهمید. و خبرنگار ناکام، که نتوانسته بود ایشان را عصبانی کند و نه نشانه ضعفی بدست آورد نا

امیدانه، عقب نشینی کرد.

آنجا بود که با دیدن آن سخنرانی و این برخوردها با خود گفتم: این است عظمت و

استقلال و اقتدار نظام ولایی اسلامی^۱.

آقا پاسخ دادند: کارمان را به شما نمی گوییم، هر وقت

انجام دادیم، خودتان خواهید فهمید.

و خبرنگار ناکام، که نتوانسته بود ایشان را عصبانی کند و نه

نشانه ضعفی بدست آورد نا امیدانه، عقب نشینی کرد.

^۱ منبع: سخنرانی حجة الاسلام ناطق نوری در گردهمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۷، صحن جامع رضوی.